



عاشورا

فروغ جاودانه‌ی هستی

از بیانات

مرحوم عالم‌القدر حضرت آیت الله العظمی

حاج سید صادق حسینی شیرازی مد ظله العالی

شناسنامه کتاب

عاشورا، فروغ جاودانه ی هستی

از بیانات مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی

حاج سید صادق حسینی شیرازی رحمته الله علیه

انتشارات:

نوبت و تاریخ چاپ:

تیراژ:

چاپخانه:

قیمت:

شابك:

مقدمه

مجموعه‌ی پیش رو، گردآوری شده‌ی بیانات گهربار بزرگ احیاگر شعائر حسینی مرجع شیعیان جهان حضرت آیت الله العظمی حاج سید صادق حسینی شیرازی رحمته الله علیه می‌باشد که به کوشش خادمان اهل بیت علیهم السلام در مؤسسه فرهنگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در شهر مقدس کربلا و با عنوان «عاشورا، فروغ جاودانه‌ی هستی» تدوین و تنظیم گردیده است.

این مجموعه بیانات، در شام عاشورای حسینی در سال ۱۴۳۸ق و در جمع خیل کثیری از عزاداران حضرت سیدالشهدا علیه السلام که در بیت معظم له گرد آمده بودند، ایراد گردیده و به زیور طبع در آمده است.

شایان ذکر است که همه ساله در شامگاه روز دهم محرم الحرام مؤمنان و عزاداران در بیت مرجعیت و فقاہت حضور می‌یابند و از رهنمودهای ارزشمند مرجع عالیقدر بهره‌مند می‌شوند.

بسم الله الرحمن الرحيم

«عظم الله أجورنا بمصابنا بالحسين عليه السلام وجعلنا وإياكم من الطالبين بثأره مع وليّه الإمام المهدي عجلت ياقوتة العرش من آل محمد صلّى الله عليه وآله؛^۱ خدای متعال پاداش و ثواب عزا دار بودن ما را برای حسین عليه السلام، دو چندان گرداند و ما را به همراه شما در رکاب جانشین بر حقش از آل محمد صلّى الله عليه وآله، [حضرت] امام مهدی عجلت ياقوتة العرش، جزو خون خواهان آن حضرت قرار دهد».

حضرت امام محمد باقر عليه السلام با وجود گذشت سالیانی از واقعه سوزناک کربلا در روایتی به اصحاب خود امر می کند که همدیگر را در مصیبت شهادت حضرت سیدالشهداء عليه السلام، چنین تسلیت گویند. در این تسلیت گویی تصریح شده است کسی جز حضرت صاحب الأمر، امام الزمان عجلت ياقوتة العرش را یارای انتقام جویی از خون پاک امام حسین عليه السلام نیست.

۱. کامل الزیارات، ص ۱۷۵ (باب هفتاد و یکم).

خدای متعال تکوینی دارد و تشریعی. تکوین خدای عزوجل، اموری همچون آفرینش ماه و زمین و آسمان است و خلقت بهشت و جهنم؛ و تشریع او، نماز و روزه و عبادات و واجبات و محرمات و مستحبات و مکروهات و مباحات. عزای سیدالشهدا علیه السلام علاوه بر پاره‌ای امور تشریعی، در عالم تکوین نیز دارای مختصات ویژه‌ی خودش است.

اموری که تنها ویژه‌ی اوست و حتی پدر، مادر، برادر و جدّ بزرگوارش نیز آن را دارا نیستند. امور تکوینی خاصّ حضرت، در مجموعه‌ی عظیمی از روایات دیده می‌شود که از گردآوری آنها کتابی قطور فراهم می‌آید.

تصرفات تکوینی امام حسین علیه السلام

مصیبت جانگداز امام حسین علیه السلام چنان است که در روایت توبه‌ی حضرت آدم علیه السلام، خدای عزوجل جبرئیل را به سوی او روانه کرد تا نام‌های خمسه‌ی طیبه را به او آموزش دهد.

یکی از تصرفات تکوینی حضرت ابا عبدالله علیه السلام، یا به بیانی دیگر تأثیر عزای آن حضرت، تأثر حضرت آدم علیه السلام از شنیدن

نام ایشان است. پس از ترک اولای حضرت آدم و توبه و زاری بسیار به درگاه پروردگار، خدای سبحان او را به انوار خمسه‌ی طیبه توجه داد و از او خواست که به اسماء آنها او را قسم دهد. جبرئیل که واسطه‌ی تعلیم اسماء به حضرت آدم علیه السلام شده بود نام تک تک این پنج تن را به او آموخت. هنگامی که حضرت آدم نام «حسین علیه السلام» را شنید، بی‌اختیار اندوهی شدید وجودش را فرا گرفت به گونه‌ای که در روایت آمده است: «فلما ذکر الحسین سالت دموعه وانخشع قلبه وقال يا أخي جبرئيل في ذكر الخامس ينكسر قلبي وتسيل عبرتي قال جبرئيل ولدك هذا يصاب بمصيبة تصغر عندها المصائب»^۱ هنگامی که نام حسین را برد، اشک‌هایش جاری شد و گفت: برادرم، ای جبرئیل! به هنگام ذکر نام پنجمین [تن] دلم شکست و اشک‌هایم [سیل‌وار] جاری شد. جبرئیل فرمود: این فرزند توست که به مصیبتی دچار می‌شود که دیگر مصیبت‌ها در برابر آن کوچک است.

۱. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۴۵.

بعضی واژه‌های این روایت حائز توجه‌اند که به اختصار به توضیح آن می‌پردازم. چشم انسان آب چندان‌ی ندارد. مشک که نیست که سیل و سیلان داشته باشد. از این رو تعبیر حضرت آدم علیه السلام از اندوه خود برای امام حسین علیه السلام، شگفتی‌برانگیز، و نیز در لسان عرب و زبان روایات بی‌مانند است.

عباراتی همچون «جرت دموعی؛ اشک‌هایم جاری شد» حاکی از اغراق در گریه کردن و حدّ غایت آن است. اما تعبیر حضرت آدم از گریه و حزنی که برای امام حسین علیه السلام در درون او به وجود آمد غریب و نادر است.

حضرت آدم علیه السلام فرمود: «سالت دموعی» اشک‌هایم چنان چشمه‌ای جوشید و بسان نهری از گونه‌هایم سرازیر شد. در ورای چشمان انسان، تعدادی غدد قرار دارد که هنگامی که از لحاظ روحی متأثر یا متألم می‌شود، خون را به اشک تبدیل می‌کند. طبعاً این کار به مقدار چند قطره انجام می‌شود. و در حدّی نیست که جریانی از آب ریزان و روان را همچون سیلی از آب در پی داشته باشد.

چه سرّی در چهار حرف نام حسین (یعنی ح، س، ی، ن) هست که در بدو شنیدن آن، حضرت آدم را اندوهی شدید فرا می‌گیرد؟ چه حکمت تکوینی در این حروف گنجانده شده که حتی در نام‌های مبارک پیامبر اکرم ﷺ و امیرمؤمنان و حضرت صدیقه‌ی طاهره فاطمه زهرا و امام حسن مجتبیٰ علیهما السلام نیز وجود ندارد. حضرت آدم علیهما السلام از شنیدن نام این چهار تن متأثر نشد و تنها نام جان‌افروز حسین علیهما السلام اندوه دلش را شعله‌ور کرد.

حضرت آدم علیهما السلام خود متوجه گریه‌ی بی‌سابقه‌اش شد. از این‌رو دلیل آن را از جبرئیل جویا شد. دانستی است که خدای متعال در قرآن از جبرئیل به «امین» یاد می‌کند. وجه این توصیف در امانت‌داری او در انتقال اوامر خدای تبارک و تعالی است؛ که البته تمام ملائکه‌ی خدا، مطیع محض فرمان او هستند و هرگز از آن نه می‌کاهند و نه بدان می‌افزایند. «وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»^۱ و آنچه را مأمورند انجام می‌دهند». جبرئیل در ادامه شمه‌ای از

۱. سوره نحل، آیه ۵۰.

مصایب حضرت سیدالشهدا علیه السلام را برای حضرت آدم نقل می‌کند که در توصیف آن می‌فرماید: «تصغر عندها المصائب».

ألف و لام «المصائب» گویای عمومیت آن است. با توجه به امانت‌داری جبرئیل در انتقال اوامر الهی، بی‌تردید این تعبیر وصف خدای متعال است از عظمت مصیبت حضرت امام حسین علیه السلام. مصیبتی که هیچ مصیبت دیگر به پای آن نمی‌رسد. از آنجا که گوینده‌ی این سخن حضرت باری تعالی است در می‌یابیم که از تاریخ خدایی او که نه اول دارد و نه آخر - زیرا خدا ازلی و ابدی و سرمدی است - مصیبت امام حسین علیه السلام بی‌مانند و بی‌همتا است. و هر مصیبتی در قیاس با آن، خرد و کوچک است.

مصیبت‌هایی که انبیا در راه تبلیغ رسالت خویش تحمل کرده‌اند کم نیستند. در این میان، حضرت پیغمبر ختمی مرتبت، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله بیش از همه رنج کشید.^۱

۱. «ما اودى نبي مثل ما اوديت؛ هیچ پیامبری آن‌گونه که من آزار دیدم اذیت نشد»

(مناقب آل ابی طالب علیهم السلام؛ ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۴۷).

مصیبت‌های وصی ایشان امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام و همچنین دختر گرامیشان حضرت زهرا علیها السلام و نوهی او امام حسن مجتبی علیه السلام نیز بسی عظیم و جانسوز بودند. و افزون بر همه، مصایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روزگار ما بسیار دشوار و طاقت‌فرساست، اما - به فرموده‌ی خدای متعال - همه‌ی آنها در برابر مصیبت سیدالشهدا علیه السلام ناچیز است.

رنج کسی که دستش زخمی می‌شود در برابر کسی که دستش شکسته است، ناچیز است. این ناچیزی در عربی «تصغر» نامیده می‌شود. اگر وصفی بهتر از این برای عظمت مصیبت حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌بود خدای متعال بی‌گمان از آن استفاده می‌کرد. این تعبیر واگوی عمق فاجعه‌ی کربلا و تأثیر شگرف آن بر آینده‌ی بشر است. فاجعه‌ای که بشر را هرگز یارای جبران آن نیست. و تنها - بنا به نص روایات - به هنگام ظهور حضرت بقیة الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه و با دستان با کفایت او عملی می‌شود.

همان‌گونه که در بدو سخن، حضرت امام محمد باقر علیه السلام ما را تعلیم فرمودند، از خدای متعال طلب کنیم که ما نیز از پیروان و

همراهان حضرت ولی عصر عجله تعالی فرجه و هم‌رکاب ایشان جزو خون‌خواهان خون پاک حضرت آقا ابا عبدالله الحسین علیه السلام و از شمار «الطالبین بشاره مع ولیه الإمام المهدی عجله تعالی فرجه من آل محمد صلی الله علیه و آله» قرار بگیریم. جز این راه، به هیچ نحو دیگر، نمی‌توان جبران خون به ناحق ریخته‌ی آن حضرت کرد. و هرچه در راه احیای شعائر حسینی انجام دهیم، تا حتی تحمل شکنجه و کشته شدن و امثال آنها خون‌خواهی و جبران مصیبت ایشان نخواهد بود.

تَشْكُرُ و دعای خیر نثار عزاداران حسینی

بنا به وظیفه‌ی شرعی، از تمامی کسانی که عزاداری سیدالشهدا علیه السلام را امسال به هر نحوی برپا کردند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم. بر حسب ادله‌ی شرعی یکی از وظایف هر فرد، دعا کردن در حق کسانی است که شعائر مقدسه‌ی امام حسین علیه السلام را به پا می‌دارند. در روایتی نقل شده است که حضرت امام صادق علیه السلام پس از نماز به سجده رفتند و بسیار گریستند. تا حدی که محاسن شریف‌شان از اشک دیدگانش

کاملاً خیس شد. راوی نقل می‌کند که در آن سجده حضرت فقط برای کسانی که شعائر حسینی را اقامه می‌کنند دعا فرمودند؛ نیز در دعای خود از برخی دشواری‌ها و مصیبت‌ها که در این راه متحمل می‌شوند یاد کردند.

بنده نیز به تأسی از امام از همه‌ی عزاداران حسینی، در هر گوشه‌ای از جهان که به سر می‌برند، خاصه شیعیان ایران و عراق تشکر می‌کنم. از همه‌ی کسانی که در این راه کوتاهی نکردند و با زبان، قلم، پول و تشویق‌های خود مایه‌ی دلگرمی و حمایت عزاداران و عزاداری آقا ابا عبدالله علیه السلام شدند. در این میان نباید شیعیانی را که در پی شرایط نابسامان سیاسی و اجتماعی کشورهای اسلامی، در بلاد کفر به سر می‌برند و در آنجا نیز اقامه‌ی شعائر حسینی می‌کنند، از یاد برد. محرم و صفر ماه‌های عزاداری هستند، اما عزای امام حسین علیه السلام تنها مختصّ این دو ماه نیست و در تمام طول سال برپا و پابرجاست. تشکر و دعای خیر خود را نثار این عزاداران، در هر مکان و هر زمان که به سر می‌برند می‌کنم.

سعه ی صدر در خصوص عزاداری حسینی

ارادتمندان به حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام باید به نکاتی توجه داشته باشند. به عنوان نمونه عرض می‌کنم که ای خانمی که شوهرت در شعائر مقدسه‌ی امام حسین علیه السلام شرکت می‌کند، سزاوار نیست که به خاطر کم‌محبتی یا پاره‌ای کاستی‌ها که ممکن است به این سبب در رفتار و کردار او پدید آید، او را سرزنش کنی. چه بسا فردای قیامت از شرمساری نتوانی در چهره‌ی حضرت زهرا علیها السلام بنگری.

آقایان نیز همین‌طور. اگر خانم‌ها به سبب شرکت در عزاداری‌ها نتوانند همانند گذشته وظایف خود را در قبال شما انجام دهند نباید آنها را سرزنش کنید. کاری نکنید که فردای قیامت - خدای ناکرده - در حساب و کتابی که در روایت نقل شده است و امام حسین علیه السلام با خلاق دارند، بی‌نصیب بمانید.

کسب رضایت والدین در اقامه‌ی شعائر

موضوع عزاداری سیدالشهدا علیه السلام افزون بر قواعد تشریعی آن، از خصائص تکوینی فراوانی برخوردار است. بشر در طول تاریخ

همواره شاهد بسیاری از این معجزه‌ها و امور تکوینی بوده است. وقایعی نادر و خارق‌عادت که عقل بشر از درک و المام آن عاجز است و تنها در منظومه‌ی امام حسین علیه السلام یافت می‌شود. پیداست که هماهنگی با دستگاه امام حسین علیه السلام و همراهی با عزاداران آن حضرت، فرضی بایسته بر همگان است. در این میان برخی پدران و مادران با اجرای بعضی شعائر مخالفاند. این امر برای جوانان که ملزم به اطاعت امر پدر و مادر خود هستند گاهی مشکل‌ساز خواهد شد و چه‌بسا اسباب سردرگمی آنان می‌شود. جوانان مکرر این مشکل را نزد من مطرح کرده‌اند که می‌خواهند فلان شعیره‌ی مقدس را به‌جا آورند ولی پدر و مادرشان مخالف انجام دادن آن هستند.

پدر و مادرها، نباید با خرده‌گیری‌های بی‌جا مانع اقامه‌ی عزاداری امام حسین علیه السلام شوند. امام حسین علیه السلام و عزاداری ایشان استثنای عالم وجود است. گذشته از آن بسیاری از آنان از مسئله‌ی شرعی خود ناآگاه‌اند.

در میان علمای شیعه، از زمان شیخ مفید تا به امروز مشهور

است که «تأذی والدین حرام نیست، اما ایذاء حرام است». این حکم در کتاب مکاسب شیخ انصاری و شروح و تعلیق‌هایی که بر آن نوشته‌اند بسیار مطرح شده است و اهل علم کما بیش با آن آشنا هستند. اگر فرزند قصد خواندن نماز شب، یا گرفتن روزه‌ی مستحبی و یا برگزاری حجی مستحب داشته باشد، و پدر و مادر از این کار آنها ناراضی باشند و چهبسا آزرده گردند، آیا نباید این قبیل امور را انجام داد؟ بی‌تردید خدای متعال امر به اطاعت مطلق پدر و مادر نکرده است.

اطاعت پدر و مادر تا آنجا که مغایر با اطاعت خدا نباشد امری واجب و سفارش شده است. البته خدای متعال در قرآن کریم امر به تشکر از پدر و مادر و اطاعت از خویش کرده است: «أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ»^۱ [آری به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرت باش).

البته من نمی‌توانم چیزی خلاف حکم خدا بگویم. چراکه

۱. سوره لقمان، آیه ۱۴.

خدای عزوجل در قرآن بر این موضوع تأکید فراوان کرده و کسانی را که به غیر فرمان خدا حکم کنند، در یک بار کافر، و بار دیگر ظالم و دیگر بار فاسق خوانده است.

«وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»^۱.

«وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»^۲.

«وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۳.

با همه‌ی اینها، همواره جوانان را به احترام پدر و مادر و کسب رضایت آنان توصیه کرده‌ام. بسیار پیش آمده است که جوانی علاقمند به تحصیل علوم دینی است ولی پدر و مادر او به این کار راضی نبوده‌اند. در حدّی که واجب عینی است، در وجوب آن برای کسی که شرایط آن را داراست، بحثی نیست. اما در موقعی که واجب کفایی است، باز رضایت پدر و مادر در کسب علوم دینی ضرورت نیست، اما چه بهتر که با رضایت آنان گام

۱. سوره مائده، آیه ۴۴.

۲. سوره مائده، آیه ۴۵.

۳. سوره مائده، آیه ۴۷.

در این راه نهاد. دست آنان را بوسید؛ به دست و پای آنان افتاد و در جلب رضایتشان کوشید.

پدران و مادران لازم است که به این مسأله‌ی شرعی آگاهی داشته باشند و تفاوت تأذی را با ایذاء بدانند. هنگامی که فرزندی پا در سفری می‌نهد که ناخشنودی پدر و مادر را به همراه دارد، اگر نیت او آزار آنان باشد، به این کار «ایذاء» می‌گویند و عملی حرام است؛ اما اگر از رفتن به آن سفر قصد اذیت پدر و مادر خود را نداشته باشد به آن «تأذی» می‌گویند و حرام نیست.

چه نیکوست که پدر و مادر شکرگزار نعمت اولاد خود باشند و با خرده‌گیری‌های بی‌جا در اقامه‌ی عزای سیدالشهداء علیه‌السلام از حدود خود پا فراتر نهند و به نحوی کفران این نعمت نکنند. به یقین کوتاهی در اقامه‌ی شعائر حسینی پشیمانی و شوربختی دنیا و آخرت را در پی خواهد داشت.

صد البته بزرگداشت مقام والدین و حفظ حرمت آنان برای فرزندان، امری بس مهم و ضروری است. جوانانی که پدر و مادرشان با بعضی شعائر مقدسه‌ی امام حسین علیه‌السلام مخالف

هستند باید در رضایت آنان سعی بسیار کنند. اگر برای کسب این رضایت سیلی بخورند برای اقامه‌ی عزای امام حسین علیه السلام، روا و شایسته است. شاید از این راه از نظر خود برگردند و اسباب نجات آنها نیز فراهم آید.

منت، نابود کننده‌ی اعمال

گردانندگان هیئت‌ها نقش حساسی در اقامه‌ی شعائر حسینی علیه السلام دارند. مدیریت صدها پیر و جوان با سلايق و روحیات مختلف کار ساده‌ای نیست. در میان انبوهی از جوانان خوش اخلاق حضور یک فرد بد اخلاق و کم حوصله دور از انتظار نیست. نباید با دیدن کج خلقی یا ناهنجاری‌هایش او را از هیئت و جمع عزاداران راند. بلکه با مدارا و خوش رفتاری او را تحمل کرد، تا از این رهگذر او نیز از موهبت نجات و سعادت بی بهره نماند.

در میان این بزرگواران، کسانی که عهده‌دار تأمین مخارج هیئت‌ها می‌شوند، بی تردید کارشان در نزد حضرت سیدالشهدا علیه السلام، پر اجر و پاداش خواهد بود. اما به شرط آنکه در دام شیطان

گرفتار نیایند و با منت نهادن پاداش کردار شایسته‌ی خود را از بین نبرند. شیطان، دشمن قسم‌خورده‌ی انسان همواره مترصد اوست. تکبر و منت نهادن آفت خطرناکی است که در کمین گردانندگان عزای حسینی قرار دارد. اینکه اگر شما نبودید و هزینه‌هایی که خرج کردید نبود، برپا کردن عزای امام حسین (علیه‌السلام) میسر نمی‌شد، پندار خطرناکی است که شیطان در خاطر شما القا می‌کند. اگر سیلی به صورت خود بزنید یا سر به دیوار بکوبید، تا شاید از این اندیشه فارغ شوید، بهتر از دلخوش شدن به این خیال‌های پوچ و غرور آفرین است.

حضرت زین العابدین امام سجاد (علیه‌السلام) در صحیفه‌ی سجادیه - البته با نظر داشت مقام عصمتشان - به پیشگاه خدای متعال چنین عرض می‌کنند: «وَأَجْرُ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِي الْخَيْرِ وَلَا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنْ»^۱ بر دست‌انم برای مردم، خیر جاری فرما و آن را با منت نهادن از بین مبر».

۱. صحیفه‌ی سجادیه، دعای بیستم (دعای مکارم الاخلاق)، ص ۹۲.

«مَحَقِّ»، نابودی اعمال بر اثر منت نهادن است؛ چیزی همانند دود شدن و از بین رفتن. در لسان روایات و ادعیه‌ی وارده از اهل بیت (علیهم‌السلام) بسیار به این تعبیر اشاره شده است. کسانی که هزینه‌های اقامه‌ی شعائر را عهده‌دار می‌شوند باید از این فریب شیطان بر حذر باشند تا در دام او گرفتار نیایند.

وظیفه‌ی حساس حکومت‌ها در قبال شعائر حسینی

بنا به سخن معصوم دو طایفه مسئولیت بیشتری در جامعه دارند: عالمان و حاکمان.

حکومت‌ها در کنار وظایف حکومت‌داری‌شان به دلیل در دست داشتن سیف و سوط (شمشیر و شلاق) توانایی ارباب ملت را نیز دارند. از این رو باید مراقب شعائر حسینی و عواطف ملت خود باشند. مبدا با بدرفتاری یا ایجاد رعب کسی را از اقامه‌ی شعائر بازدارند. چراکه کارشکنی در شعائر مقدس امام حسین (علیه‌السلام)، جبران‌ناپذیر است و شقاوت دنیا و آخرت را به دنبال دارد.

این سفارش تنها متوجه حکومت‌های اسلامی نیست.



حکومت‌های غیر اسلامی که به یمن مهاجرت مسلمانان به آن دیار، از نعمت برگزاری شعائر و احداث حسینیه‌ها بهره‌مند شده‌اند نیز باید قدردان این نعمت باشند. نعمتی که حدود صد سال پیش در آن سامان خبری از آن نبود.

در کشور هندوستان جمعیت غالب، (حدود نود درصد) بت‌پرستند، و تنها اقلیتی قریب به ده درصد آنان شیعه‌اند. با این حال علی‌رغم جمعیت اندک شیعیان، به سبب آزادی موجود برای طوایف و مذاهب گوناگون در آن کشور، در چندین مناسبت، شیعیان را آزاد قرار داده‌اند که اگر کارمند یا مسئول جایی هستند می‌توانند در آنها حضور نیابند.

خیلی پیش در مجله‌ی «ثقافة الهند» که وزارت هند در عراق آن را توزیع می‌کرد و آن را برای مرحوم پدر و برادرم نیز می‌فرستادند، خواندم که مناسبت روز عاشورا در آن کشور تعطیل عمومی است. این در حالی است که افزون بر نود درصد مردم هند، اعتقاد خاصی به عاشورا ندارند، چراکه اصلاً مسلمان نیستند. اما با این حال احترام امام حسین (علیه السلام) را نگه می‌دارند.

کافران پیشرو، مسلمانان اهمال کار

این مطلب تأسف بار مطرح است که کشوری که اغلب مردم آن بت پرستند و روی پول های خود نیز عکس بت های شان را قرار داده اند مناسبت عاشورا را محترم دانسته و آن را تعطیل رسمی اعلام کرده اند، اما بیشتر کشورهای اسلامی هرگز توجهی به این مناسبت عظیم ندارند و به آن بهایی نمی دهند؛ آیا سزاوار است کشوری که اسلامی است و شعار آن اسلام است در روز عاشورا تعطیل نباشد؟! آیا جز این است که امام حسین علیه السلام، نوهی پیامبر آنان است؟! امام حسین علیه السلام، نوادهی حضرت مسیح علیه السلام، یا حضرت موسی علیه السلام نیست که در برخی جاها صاحبان آن ادیان بیش از برخی کشورهای اسلامی به روز شهادت آن امام همام بها می دهند و عزای او را برپا می دارند. در کتاب های مسلمانان، حتی اهل سنت سخنان بسیاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شأن و جایگاه فرازند حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهما السلام نقل شده است. با این همه چنین نسبت به عاشورا و عزای امام حسین علیه السلام، بی توجه اند. از آن سو، کشور هند با مردمان

غیرمسلمان، این روز را گرامی می‌دارد و آن را برای عموم مردم خود، اعم از مسلمان و غیرمسلمان تعطیل اعلام می‌کند. پس سزاوار است که حکومت‌ها و حاکمان آنها باورهای ملت‌هایشان را پاس بدارند و با کم‌لطفی نسبت به شعائر مقدسه‌ی امام حسین علیه السلام، عواطف آنان را جریحه‌دار نکنند.

احیای سیره‌ی رسول الله و امیر مؤمنان صلوات الله علیهما

درباره‌ی دلیل و انگیزه‌ی شهادت سیدالشهدا علیه السلام، سخن بسیار گفته شده است. این سخن مشهور درباره‌ی او که «أشهد أنك قد أقمّت الصلاة و آتیت الزکاة» آیا هدف حضرت بوده است یا خیر؟ آیا در روزگار امام حسین علیه السلام، مردم نماز نمی‌خواندند؟ تنها بر اساس دانسته‌های ما از کتاب «الغدير» علامه‌ی امینی در سراسر مملکت اسلامی آن روزگار بیش از هفتاد هزار نماز جمعه برپا می‌شد. پس قدر مسلم مردم آن روزگار نماز می‌خواندند و به واجبات دینی خود، اعم از حج، روزه، زکات و جز آن پایبند بودند.

علامه مجلسی در کتاب «بحار الأنوار» به نقل از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام می نویسد که شمار کسانی که تنها در زمان حضرت امام سجاد علیه السلام، در یکی از سال‌ها در مراسم حج شرکت کردند به قول راوی: «أربعة آلاف ألف وخمسمائة ألف»^۱ چهار میلیون و پانصد هزار نفر بودند. تا جایی که حافظه‌ی من یاری می‌کند طی هفتاد سال گذشته، به خاطر ندارم چنین جمعیتی در حج گرد آمده باشند. اما خیلی پیش از زمان امامت امام حسن عسکری علیه السلام مراسم حج با این جمعیت فراوان برگزار شده است. پس آشکار است که مردمان هم‌روزگار با امام حسین علیه السلام نماز و روزه و حج خود را به‌جا می‌آوردند.

امام حسین علیه السلام، خود در تبیین علت شهادت خویش و طی این راه می‌فرماید: «وَأَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي»^۲ تا راه جدّ و پدرم را ادامه دهم».

۱. التفسير المنسوب إلى إمام الحسن العسكري علیه السلام.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۳۹ (باب ۳۷).

با ژرف‌نگری در همین جمله‌ی مختصر حقایق بسیاری از روزگار امام حسین علیه السلام و اهداف آن حضرت در این اقدام نجات‌بخش روشن می‌شود. شواهد و قراین تاریخی و روایی حاکی از آن است که در آن روزگار ظاهر احکام اسلام همچون نماز و روزه و غیره پابرجا بوده است. البته نماز آن روزگار نماز بی‌ولایت بوده است و به همین قیاس روزه و حج اغلب مردمان آن روزگار نیز خالی از ولایت ائمه هدی علیهم السلام بوده است. با این حال هدف و مقصود حضرت در اقدام خود که به شهادت ایشان و تنی چند از یاران و خاندانش منجر شد، صرف احیای نماز و روزه نبوده است.

در روزگار پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز پس از حکومت کوتاه مدت امیرمؤمنان علیه السلام، حاکمان جور بسیاری از حقایق و شرایط روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام را به نفع خود دگرگون کردند. این تغییرات همچنان در حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس ادامه یافت. حقایقی فراتر از ظواهر احکام خدا.

برای روشن‌تر شدن دگرگونی برخی شرایط و حقایق زندگی

مردم، ذهن شما را به گوشه‌ی کوچکی از این تصرفات نامشروع توجه می‌دهم.

در روزگاری که به سر می‌بریم اجاره‌نشینی رایج و حقیقتی پذیرفته شده است. در روزگار رسول خدا ﷺ و امیر مؤمنان علیه السلام، این پدیده نادر و به قدر ضرورت بوده است.

مسافری که به شهری دیگر همچون مکه یا کوفه یا بصره وارد می‌شد و قصد اقامتی چند روزه در آن شهر داشت ممکن بود به اجاره‌ی منزلی در آن شهر نیاز پیدا کند. اما اینکه کسی روزگار درازی از عمر خود، و چه بسا همه‌ی آن را اجاره‌نشین باشد هرگز مرسوم نبوده است. نه در تاریخ پیامبر خدا ﷺ با وجود محدود بودن حکومت ایشان که حجاز و یمن و بحرین و آن حوالی را شامل می‌شده، و نه در تاریخ حکومت‌داری امیر مؤمنان، با آن حکومت گسترده‌اش که دامنه‌ی آن تا اعماق اروپا و آفریقا نیز می‌رسیده است، چه از دوستان و چه از مخالفان ایشان، هرگز خبری مبنی بر اجاره‌نشینی گزارش نشده است. اما در حکومت‌های پس از ایشان، با رواج بی‌عدالتی و بی‌بند و باری‌های اقتصادی



این موضوع رفته رفته زیاد شد.

در فقه به این موضوع تا حدودی پرداخته شده است. قریب به پنجاه و اندی سال پیش، در عراق جزوه‌ای در این باره نوشتم که به چاپ هم رسید. در آن موقع در عراق نظارت خاصی بر انتشار کتاب‌ها نبود. پس از چاپ کتاب، وزیر آن زمان شخصاً بی‌آنکه دلیلی قانع‌کننده داشته باشد در روزنامه‌ی رسمی توزیع آن کتاب را منع کرد؛ با اینکه جای آن داشت که در آن تعمق بیشتری می‌کرد و اگر مطالب آن سودمند بود آن را می‌پذیرفت. آن زمان، عراق پر از آدم‌های اجاره‌نشین بود، پدر بنده نیز تا آخر عمرشان در خانه‌ی اجاره‌ای به سر می‌بردند. خانه‌ای که بنده و مرحوم برادرم در آن به دنیا آمدیم و سال‌های سال در آن زندگی کردیم.

امام حسین علیه السلام، ادامه دهنده‌ی سیره‌ی پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام است. بخشی از این سیره احکام عبادی چون نماز و روزه و حج است؛ ولی بسیاری از شئون زندگی، همچون بُعد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن را نیز دربر می‌گیرد. در تاریخ

حکومت امیر مؤمنان علیه السلام، حاکم دزدی نمی کرد. از این رو هیچ دختری یا پسری به سبب آنکه پول ندارد بی همسر نمی ماند.

از آن سو مطالعه ی تاریخ ما را در شناخت حاکمانی که با پیشه ساختن ظلم و خیانت راهی به غیر از سیره ی پیامبر در پیش گرفتند و عاقبت جامعه را به نابودی و فساد کشاندند یاری می کند. معاویه ها و یزیدها و متوکل ها، میلیون ها کیلو طلا می دزدیدند.

بنا به تاریخی که ابناء عامه نوشته اند هزاران هزار تن، از مرد و زن و بچه در حکومت های به ظاهر اسلامی آنان از گرسنگی جان می باختند. تا جایی که در روایت های تاریخی اشاره شده است به: «أكل الكلاب والسنانير والجردان». در برخی از ادوار تاریخ، کار مسلمانان به جایی رسید که به خوردن سگ و گربه و موش روی آوردند. چرا این اوضاع در زمان امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام نبوده است؟ چرا در زمان یزید مردم این همه دچار بدبختی شده بودند؟ بدبختی تا مدت ها، در زمان حکومت مروان و بنی مروان و پس از آن، بنی عباس همچنان ادامه داشت.

مطالعه ی تاریخ نگرش خوبی در تحلیل وقایع و رویدادها به ما

می‌دهد و با بینش بهتر می‌توان واقعه‌ی کربلا و اهداف امام حسین علیه السلام را بررسی کرد. از همین مختصر تاریخی که ذکر آن رفت، می‌توان تا حدودی به درک مناسبی از اهداف حرکت حضرت سیدالشهدا علیه السلام دست یافت.

ما دنباله‌روان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام هستیم و مفتخریم که پیامبر نام ما را «شیعه» نهاد، آن‌سان که اشاره فرمود: «هذا وشیعته»^۱ او و شیعیانش؛ چراکه امیرمؤمنان علیه السلام، شخصاً دنباله‌رو پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله هستند و ما مفتخران به دنباله‌روی از آن امامیم. پس ما نیز باید عملاً از راه و سیره‌ی آن بزرگوار پیروی کنیم.

یکی از وظایف ما که در حد واجب کفایی و فراهم آورنده‌ی مقدمات هدایت بشر به آیین اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام است، توجه دادن اذهان عموم انسان‌ها به قضیه امام حسین علیه السلام و مکتب عاشورا است. خدای متعال در سراسر گیتی تنها یک امام حسین علیه السلام قرار داده است؛ آن هم با قواعد تکوینی که ویژه‌ی اوست.

۱. قرب الإسناد (للحمیری).

دورنمای مبارزه با شعائر

«مُطَبِّق» یکی از زندان‌هایی بود که از زمان منصور عباسی شروع شد و تا زمان خلفای عباسی بعد از او همچون منصور و هارون و مأمون و متوکل و واثق همچنان ادامه یافت. مطبق این‌گونه بود که در صحرا، در مکانی دور از آب، چاه‌های عمیقی به ارتفاع بیست الی پنجاه متر حفر می‌کردند و در بدنه‌ی چاه در راست و چپ آن، با فاصله‌ی هر چند متر حفره‌هایی انفرادی می‌کنند، به قدری که یک یا دو نفر در آن جای گیرند.

کتاب‌های تاریخ مفصل به توصیف این زندان‌ها و شکنجه‌های آن پرداخته‌اند. نقل شده است که اکثر کسانی که این‌گونه به بند کشیده می‌شدند، خاصه جوان‌ها عاقبت می‌مُردند. غالباً این حبس با شکنجه‌های دشواری همراه بوده است. در یک مورد کسی از مطبق جان سالم به در برده بود، درباره‌ی یکی از دوستانش نقل می‌کرد که او را به شکم بر زمین خوابانده و دست و پایش را بسته بودند و سیصد رطل آهن بر روی کمرش گذاشته بودند. طبیعی است که تحمل انسان از چنین شکنجه‌ای



بیش از یکی دو روز، یا در نهایت یکی دو هفته نیست.

گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که این شکنجه‌های هولناک ویژه‌ی برپا دارندگان شعائر حسینی است. غالب کسانی که به زیارت قبر مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌رفتند اگر گرفتار مأموران می‌شدند معمولاً چنین سرنوشت دردآوری در پیش داشتند. برخی را نیز دست و پایشان را می‌بریدند. در شکم زن‌های باردار چاقو فرو می‌کردند و آنها را همان‌جا می‌کشتند.^۱

گاهی این حکومت‌ها گرفتار برخی مشکلات و چند صباحی از زائران غافل می‌شدند و چند نفری فرصت می‌یافتند مخفیانه به زیارت مرقد امام حسین علیه السلام مشرف شوند. در آن روزگار متعارف بود هنگامی که کسی قصد زیارت کربلا می‌کرد با خانواده و بستگان خود خداحافظی می‌کرد، زیرا اکثر آنان دیگر برنمی‌گشتند. در همان روزگار، امام هادی علیه السلام به یک نفر

۱. برای مطالعه ی بیشتر: بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۴۱۷؛ الکامل فی التاریخ (لابن أثیر)، ج ۷، ص ۵۵.

نفرمودند که اگر زیارت کربلا خطر جانی دارد از آن منصرف شود. بلکه تشویق نیز می فرمودند. درباره حج، با اینکه برای شخص مستطیع واجب است، احتمال خطر جانی موجب حرمت آن می گردد. این موضوع در کتاب های فقه از قبیل «عروة الوثقی» به تفصیل بحث شده است. جماعتی از فقها بر این نظرند که اگر با وجود خطر جانی کسی حج بگذارد، حجش صحیح نبوده و دوباره باید آن را به جا آورد.

در تاریخ هرگز گزارش نشده است کسانی که به حج می رفتند، مجازات شوند و به مطبق گرفتار آیند. مطبق، تنها برای زائران و دوستان امام حسین علیه السلام بود؛ کسانی که قصد اقامه ی شعائر حسینی را داشتند. با این همه مخاطراتی که زیارت مرقد امام حسین علیه السلام داشته بود، هیچ یک از ائمه از زیارت آن نهی نفرمودند. بلکه در روایت های متعدد که مشهورترین آنها از امام هادی علیه السلام که معاصر با متوکل، خلیفه ی ستمگر عباسی بود، در سال ۲۳۶ق فرمودند که هرکس به زیارت قبر ابا عبدالله الحسین علیه السلام برود، هنگامی که از زیارت خود برمی گردد یکی از

ملائکه مأمور می‌شود و سلام رسول گرامی خدا ﷺ را به او ابلاغ می‌کند. این دست روایات در حالی از معصوم صادر شده است که عقوبت‌هایی همچون مطبق برای زائران آن امام در نظر گرفته شده بود.

فرجام ستیزگران با شعائر

شیعیان در برابر نابسامانی‌های تاریخ صد ساله‌ی اخیر، یعنی عصر پهلوی اول در ایران و یاسین الهاشمی در عراق، استقامت کردند. قصد ورود به سیاست ندارم. از سیاست آن هم از جنس سیاست‌های معاویه و بنی‌عباس گریزانم. خیلی پیش کتابی درباره‌ی سیاست نوشته‌ام که البته مقصودم در آنجا سیاستی است که ائمه به آن سفارش فرموده‌اند. ائمه‌ای که در زیارت جامعه آنها را «وساسة العباد» می‌خوانیم.

پیش از صد و سی سال پیش قدرتمندترین کشور جهان، انگلستان بود. در آن روزگار انگلیس با قضیه‌ی تنباکو، کمر ایران را شکست و چهارصد هزار تن از مستشاران خود را وارد

شهرهای ایران کرد. این مستشاران در شهرهای شیراز و تهران و تبریز و خراسان، مراکزی تأسیس کردند و دو سه سالی هم به فعالیت خود در ایران ادامه دادند. تا آنکه مرحوم میرزای بزرگ شیرازی علیه السلام در سال ۱۳۰۸ ق آن فتوای مشهور خود را در نهی از استعمال تنباکو صادر کردند. البته در آن فتوا لفظ «الיום» اهمیت ویژه‌ای دارد، که دلالت بر حرمت آن فقط در آن برهه از زمان می‌کرد، و گرنه استعمال تنباکو حرمتی نداشت و تنها در آن زمان مغایر با منافع مسلمانان بود.

این فتوا با مخالفت‌ها و تنش‌های بسیاری همراه بود و صدها کشته داد. اما همان‌گونه که در کتاب‌های تاریخ معاصر ایران نوشته شده است تحریم تنباکو به دست میرزای بزرگ ضربه سنگینی به استعمار پیر انگلیس و منافع آن در ایران بود. انگلیسی که سیصد سال هند تحت استعمار آن بود. در کتاب‌های عربی آن روزگار چنین از آن یاد می‌کردند: «بریطانیا العظمی التي لا تغیب الشمس عن مستعمراتها؛ بریطانیای کبیر که هرگز آفتاب از مستعمره‌های آن غروب نخواهد کرد». این جمله حاکی از

وسعت مستعمره‌ها و پراکندگی آنها بر روی کره‌ی زمین است. با این حال این ابر قدرت جهان بعد از بیست و اندی سال حضور در کشورهای ایران و عراق، دید که نمی‌تواند حریف آنها شود. از این‌رو با کشور عراق وارد جنگ علنی شد.

این وقایع به تاریخ ۱۳۳۵ الی ۱۳۳۷ق، یعنی چیزی حدود صد و یکی دو سال پیش برمی‌گردد.

در عراق منطقه‌ای میان کربلا و نجف است، البته نه در مسیر معروف، که به آن «رارنجیه» می‌گویند. عراقیان غالباً نارنج را رارنج تلفظ می‌کنند. رارنجیه نیز برگرفته از نارنجک است که در جنگ میان عراق و انگلیس، انگلیسیان آن را بر سر مردم آن منطقه انداختند. از این‌رو آن منطقه به «رارنجیه» شهرت یافت. مرحوم آقا میرزا محمد تقی شیرازی رحمته‌الله فتوایی برای مقابله با استعمار صادر فرمود، که طی آن جنگ خونینی میان عراق و انگلیس در گرفت که هزاران عراقی و انگلیسی در آن جنگ کشته شدند. ولی سرانجام در سال ۱۳۳۸ق، دقیقاً یکصد سال قبل منجر به طرد انگلیس از عراق شد.

انگلیس در پی هوشیاری مرجعیت آگاه آن زمان و اتحاد مردم آن کشورها، شکست سختی در ایران و عراق خورد. از این رو در پی تلافی برآمد و دو سیلی به این دو کشور زد. که یکی پهلوی اول در ایران و دیگری یاسین الهاشمی در عراق بود. این دو هر دو مزدوران انگلیس بودند و برنامه‌ها و اقدامات او را در این دو کشور عملی می‌کردند.

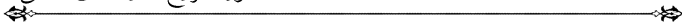
کارنامه‌ی هر دوی اینها در کتاب‌های تاریخ معاصر ایران و عراق ثبت شده است. پهلوی اول در پنج سال آخر حکومتش با شعائر حسینی درافتاد. یاسین الهاشمی در آن روزگار نخست‌وزیر عراق بود. عراق در آن روز پادشاه داشت، ولی اداره‌ی عمده‌ی امور مملکت به دست نخست‌وزیر بود. یاسین الهاشمی در بدو روی کار آمدن، سر ستیزه‌جویی با اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام، خاصه شعائر امام حسین علیه‌السلام، گذاشت.

مسئولیت مرجعیت شیعیان آن روز عراق با مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی رحمته‌الله بود. آیت الله سید ابوالحسن

اصفهانی، هم قوت و قدرتشان بیشتر بود و هم عشایر عراق نسبت به ایشان وفادار بودند. این دو ویژگی موجب شد که با وجود تحمل یک سال و نیم حکومت یاسین الهاشمی سرانجام او را از آن کشور راندند. بیرون از عراق هم به طرز نامعلومی کشته شد.

اما در ایران، به دلیل نداشتن این دو امتیاز، حکومت پهلوی بیشتر ادامه یافت و با زور و قلدری فضای رعب و خفقان به وجود آورده بود. مرجع آن روزگار ایران مرحوم آیت الله شیخ عبدالکریم حائری بود. ایشان از قدرت و حمایتی که آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی در عراق داشتند بی بهره بودند.

فرزند مرحوم آیت الله شیخ عبدالکریم حائری برای بنده نقل می کرد که تا حدی حمایت و پشتیبانی از پدرش ضعیف بوده است که می گفت: «من قرض می خواهم، کسی به من قرض نمی دهد». طبیعی است که هنگامی که مرجعی این گونه دستش بسته باشد، پهلوی در مملکت مجال تاخت و تاز می یابد و



شعائر مقدسه‌ی امام حسین (علیه السلام) را سرکوب می‌کند.

مرحوم آیت الله سید ابوالحسن، مقارن روزهای نخست‌وزیری یاسین الهاشمی دست به تحصن عظیمی در صحن مقدس امیر مؤمنان (علیه السلام) زدند که خود ایشان در آن شرکت کردند. ایشان برای اولین و آخرین بار عشایر عراق را فراخواندند. بافت اجتماعی کشور عراق - تا به امروز - عشایری است.

عشایر به دلیل جمعیت بالا، اتحاد و نیروی عظیمی به‌شمار می‌روند. در آن روزگار عشایر عراق با پشتیبانی از مرحوم آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی در ثورة العشرین (قیام سال ۱۳۲۰) توانستند در برابر حکومت یاسین الهاشمی بایستند.

در آن زمان مرحوم آیت الله شیخ محمد حسین کاشف الغطا به نمایندگی از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی در میان مردم سخنرانی کردند و حوزویان را برای بسیج کردن مردم، در گوشه و کنار عراق فرستادند، سرانجام یاسین الهاشمی پس از یک سال و نیم مجبور به فرار شد.

نقش مؤثر و عمده‌ی شعائر عراق در این پیروزی فراموش‌نشدنی است. تا هم‌اکنون نیز اغلب عشایر عراق پشتیبان شعائر و مذهب هستند. با گذشت این همه سال از واقعه سوزناک کربلا و انبوه ستیهنگی و کارشکنی متوکل‌ها همچنان شعله‌ی هدایت‌بخش شعائر حسینی راهنما و نجات‌دهنده‌ی جویندگان حقیقت است. کجایند متوکل‌ها و پهلوی‌ها و یاسین الهاشمی‌ها؟

بی‌گمان خدای عزوجل نمی‌گذارد که شعائر مقدسه امام حسین علیه السلام بی‌فروغ و کساد گردد و همواره پشتیبان آن است. خدای متعال در این باره ممکن است مهلت بدهد، اما اهمال نمی‌کند. خدای متعال پنج سال به پهلوی، و یک سال و نیم به یاسین الهاشمی مهلت داد. در این مدت چه شکنجه‌ها و آزار و اذیت‌ها که در حق برپا دارندگان شعائر حسینی کردند؟ اما عاقبت آنها نابود شدند و نامشان در صحنه‌ی گیتی ناپدید گشت، ولی یاد و شعائر امام حسین علیه السلام باقی و پررنگ‌تر شد.

پرده‌ای از ژرفای شعائرستیزی در تاریخ

در راه اقامه‌ی شعائر حسینی چه بسیار کسانی که شکنجه شدند و چه بسیار محرومیت‌ها و صدمه‌هایی که به عزاداران حسینی در درازای تاریخ وارد شد. «عطیه» کسی است که در داستان حضور جابر بن عبدالله انصاری بر مزار مطهر امام حسین علیه السلام - در اربعین حسینی - یار و همراه او بود، و غالباً او را خادم جابر می‌خوانند، اما چنین نیست. او شاگرد جابر و از علمای مهم و مفسر قرآن کریم بوده و افتخار مصاحبت با چندین امام از حضرت امیرمؤمنان علیه السلام تا حضرت امام محمد باقر علیه السلام را داشته است.

عطیه افزون از صد سال زندگی کرد و در اواخر عمر مبارکش حجاج قصد جان او را کرده بود. از این رو با وجود آنکه بالای هشتاد سال از عمرش می‌گذشت به سوی شهرهای ایران فرار کرد. پس از چند سالی آوارگی و بی‌کسی، عاقبت در اطراف شیراز به دست مأموران حجاج گرفتار می‌شود.

حجاج امر می‌کند که چهارصد ضربه‌ی شلاق به او بزنند. گویا اجلش نرسیده بود؛ زیرا پس از پنجاه یا صد ضربه احتمال مرگش بسیار است. هنگامی که کسی را می‌خواستند شلاق بزنند او را لخت می‌کردند و با تمام قدرت او را شلاق می‌زدند. شلاق به صورت، شکم، دست و پایش اصابت می‌کرد. بعد از آن نیز امر کرد دانه دانه موهای سفید ریشش را کنند.

این‌گونه با شعائر امام حسین علیه السلام و برپاکنندگان آن برخورد می‌کردند. اما چه سود که راه به جایی نبردند و عاقبت جز بدنامی چیزی به دست نیاوردند.

عطیه با کهولت سن و بی‌کسی و درماندگی‌اش، چنین در راه اقامه‌ی شعائر حسینی سختی کشید. پس نباید به محض روبرو شدن با اندک سختی یا محرومیتی، فریفته و خودبین شویم. قطعاً امام حسین علیه السلام تمام کسانی که در راه اقامه‌ی شعائرشان جانفشانی می‌کنند بی‌اجر نخواهد گذاشت.

سخن آخر

چندی پیش یک کلیپ ویدیویی به دست من رسید که جوانی از یکی از کشورهای خارجی به مناسبت دهه‌ی محرم میوه‌های خود را رایگان در اختیار مردم گذاشته بود. این قبیل اعمال درخور تحسین‌اند، خاصه در کشورهای غیرمسلمان.

در عراق و ایران هستند کسانی که برای اقامه‌ی عزای امام حسین (علیه السلام) خانه و یا مغازه‌ی خود را می‌فروشند. باید امور این قبیل اشخاص را پیگیری نمود.

در صورت مواجه شدن با این اشخاص، یا حتی کسانی که برای اجرای عزای امام حسین (علیه السلام) زیر بار قرض رفته‌اند و از بازپرداخت آن عاجزند، آنها را یاری کنید، حتی اگر می‌شود چند نفری پول جمع کنید و مخارج آنان را بازگردانید، آن کسی که خانه‌اش را در این راه داده است، بنده نظر خود را اعلام می‌کنم که مجاز است از ناحیه‌ی سهم امام - اگر خود یا دیگران دارند - برای او خانه تهیه کنید. نباید نسبت به این قبیل مسئولیت‌ها بی تفاوت بود و باید در حدّ توان یاری کرد.

مراسم اربعین حسینی یکی از شعائر کم نظیر حسینی است و جمعیتی که شمار آن تا بیست الی سی میلیون گزارش شده است در جهان کم نظیر است.

باید در اجرای باشکوه تر این مراسم کوشید و با تهیه امکانات اقامتی و مسافرتی برای زائران بر شمار آنان افزود. باشد از این رهگذر گامی در جهت گسترش شعائر حسینی برداریم.

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین

فهرست

مقدمه.....	۵
تصرفات تکوینی امام حسین علیه السلام.....	۷
تشکر و دعای خیر نثار عزاداران حسینی.....	۱۳
سعه ی صدر در خصوص عزاداری حسینی.....	۱۵
کسب رضایت والدین در اقامه ی شعائر.....	۱۵
منت، نابود کننده ی اعمال.....	۲۰
وظیفه ی حساس حکومت ها در قبال شعائر حسینی.....	۲۲
کافران پیشرو، مسلمانان اهمال کار.....	۲۴
احیای سیره ی رسول الله و امیرمؤمنان صلوات الله علیهما.....	۲۵
دورنمای مبارزه با شعائر.....	۳۲
فرجام ستیزگران با شعائر.....	۳۵
پرده ای از ژرفای شعائرستیزی در تاریخ.....	۴۲
سخن آخر.....	۴۴